

ارتباط متن و تصویر از نگاه رولان بارت در صفحات گلچین اسکندر سلطان، شاهنامه بایسنقری و شاهنامه محمد جوکی

چکیده

رولان بارت، نظریه‌پرداز ساختارگرای فرانسوی، سه نظریه بر مبنای ارتباط تعاملی، میان مؤلفه متن و مؤلفه تصویر ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از ارتباط «توصیفی»، ارتباط «همسان» و ارتباط «مرجع». بارت مدعی است که این سه الگو، بر تمام کتب و نسخ موجود صدق می‌کند. در این پژوهش سه نظریه عنوان‌شده در نسخ خطی مصور گلچین اسکندر سلطان، شاهنامه بایسنقری و شاهنامه محمد جوکی از دوره تیموری مطالعه شد. هدف این پژوهش علاوه بر تبیین و کشف الگوی صفحه‌آرایی این نسخ، شناخت ارتباط متن و تصویر با استناد بر نظریه رولان بارت است تا به این سؤال پاسخ داده شود که به چه نحوی رابطه میان متن و تصویر با استناد بر نظریه رولان بارت در این سه نسخه تعریف شده است. این‌گونه استنباط می‌شود که در تمام موارد تحقیق، کادر متن و کادر تصویر موجود است و شکست در کادر در نیمی از موارد به‌وضوح مشاهده می‌شود. عنوان در نیمی از موارد تحقیق وجود داشته و درون متن قرار گرفته است که ارتباط نزدیک با متن دارد. عنصر غالب در صفحه «تصویر» است و در اکثر موارد تحقیق، عنوان درون متن قرار گرفته و در نیمی از موارد تحقیق، شکست در کادر دیده می‌شود. با وجود اینکه در تمام موارد تحقیق تصویر متمرکز در صفحه است، در نیمی از موارد بر اساس نظریه بارت ارتباطی «مرجع» برقرار است، اما در نیمی دیگر از موارد تحقیق، ارتباط «همسان» مشاهده می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و به‌شیوه گردآوری کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: متن و تصویر، رولان بارت، گلچین اسکندر سلطان، شاهنامه بایسنقری، شاهنامه محمد جوکی.

محمد کاظم حسونند

دانشیار گروه نقاشی و هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول.
mkh@modares.ac.ir

مهسا خانی اوشانی

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
mahsakhani1987@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۸-۱۰-۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۷-۰۱-۱۴۰۱

1-DOI: 10.22051/PGR.2022.39095.1125

مقدمه

حوزه‌ای که رولان بارت^۱ در آن وارد شده، «تحلیل ساختاری روایت» به‌شیوه آکادمیک است. حوزه‌ای که نه با زبان‌شناسی و فلسفه، بلکه با ادبیات ربط وثیق دارد و «مصورسازی نسخ ایرانی در پیوند با ادبیات شکل می‌گیرد» (آلبوغییش و آشتیانی عراقی، ۱۳۹۷: ۴۰)، در نتیجه مطالعه صفحات مصور آن با مطالعه ساختاری نظریات بارت امری مستدل است. «هنر نگارگری هم بازنمای غنای هنر ایرانی است و هم اهمیتی تاریخی در بازجست مسائل فرهنگی و اجتماعی سرزمین ایران دارد» (ذکاوت و چارثی، ۱۳۹۹: ۶۶) و مطالعه آن اهمیت و ضرورت این پژوهش را نشان می‌دهد. «بارت معتقد بود هر قطعه نشان هوشمندانه‌ای است و بارها از کل یا نظام کارا تر است» (احمدی، ۱۳۷۴: ۲۱۲). به این معنی که اجزاء تشکیل‌دهنده یک کل واحد، مهم‌تر است و ترکیب این اجزاست که یک اثر کامل را می‌آفریند. در نظر او «سروکار همه ما با جزئیات است و نه با تمامیت» (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۱۳). «جزئیات یک صفحه مصور نیز شامل عنصر متن و عنصر تصویر می‌باشد که از مشخصه‌های مهم صفحه‌آرایی و انتقال مفهوم به مخاطب می‌باشد» (دونیس، ۱۳۹۷: ۵۲).

هدف این پژوهش علاوه بر تبیین و کشف الگوی صفحه‌آرایی این نسخ، شناخت ارتباط متن و تصویر^۲ بر اساس نظریه رولان بارت است که اساس نوشتار پیش رو را شکل می‌دهد. در این پژوهش ابتدا هر جزء و پدیده بصری در صفحه تحلیل، سپس موقعیت متن و تصویر با یکدیگر در صفحه سنجیده می‌شود و ساختار کلی صفحه بر اساس ارتباط متن و تصویر در نظریات رولان بارت بررسی می‌شود تا به این سؤال پاسخ داده شود که به چه نحوی رابطه میان متن و تصویر با استناد بر نظریه رولان بارت تعریف شده است.

فرض بر این است که در صفحه‌آرایی سه نسخه مصور دوره تیموری الگوی مناسبی وجود دارد که بر اساس آن، عنصر تصویر در صفحه غالب است و تنها ارتباط «مرجع» برقرار است. ضرورت این پژوهش نخست در آن است که روش جدیدی برای مطالعه میان‌رشته‌ای هنر و ادبیات فراهم می‌آورد و موجب افزایش دقت در خوانش نگاره با توجه به متن می‌شود. همچنین مطالعه نسخ مصور ایرانی با استناد بر نظریه فیلسوف ساختارگرا، رولان بارت، تا به حال صورت نگرفته است و بستری برای شناخت و مطالعه این نظریه بر روی نمونه‌های اصیل ایرانی فراهم می‌شود. همچنین بستر لازم برای ادامه و تکمیل مطالعه نظریات ساختارگرایان در صفحه‌آرایی مکاتب گوناگون را فراهم می‌آورد.

پیشینه پژوهش

تحقیقاتی در ارتباط با متن و تصویر در کتب گوناگون اعم از نسخ خطی تاریخی و کتب امروزی صورت گرفته است که معرفی و شرح تفاوت آن‌ها با پژوهش پیش رو، عنوان می‌شود. از جمله مقالاتی که در این زمینه انجام شده است، مقاله‌ای از اقبالی و رجبی به نام «شناخت تصویرسازی کتاب بر اساس رابطه میان متن و تصویر» (۱۳۹۴) است. جامعه آماری این تحقیق، تصویرگری کتب داستانی معاصر است و به نقش معنا و خیال در تصویرگری توجه شده است. معنای روایت، وظیفه تصویرساز و توجه به مخاطب در این تحقیق بررسی شده، در حالی که به نظریه‌پردازی رولان بارت و تعریف و تطبیق آن با نسخ دوره تیموری اشاره‌ای نمی‌شود.

در مقاله «تطبیق و تحلیل صفحه‌آرایی در دو نگاره از شاهنامه بایسنقری و شاهنامه طهماسبی» (۱۳۹۲) از دوازده‌امامی، صفحه‌آرایی شاهنامه بایسنقری و تطبیق آن با شاهنامه طهماسبی بررسی و تحلیل شده است، اما نویسنده تنها به دو نگاره بسنده کرده و ارتباط متن و تصویر بر اساس نظریات بارت نیز تعریف نمی‌شود. در مقاله «پیوند متن و نقش در نسخه‌های شاهنامه» (۱۳۸۶) از مهران به ارتباط معنای متن با نگاره‌های شاهنامه توجه شده است و ارتباط ساختاری متن و تصویر در یک صفحه بررسی نشده و همچنین درباره تعریف و تطبیق نظریات بارت در این خصوص مطلبی نیامده است.

مقاله «نقدی بر روش نشانه‌شناسی و تحلیل روایت رولان بارت» (۱۳۹۵) از مسعودی، درباره بارت و مختصری از زندگی او توضیح داده شده و همچنین روش تحلیل روایت رولان بارت بررسی شده و نقدی در ارتباط با کاربرد آن در ایران ارائه شده است، اما درباره سه نظریه ارتباطی بارت بحثی نمی‌شود و به تعریف این ارتباطات با نسخ مصور ایرانی نمی‌انجامد. پایان‌نامه صفری کهرودی به نام «مطالعه روش‌های صفحه‌آرایی در نسخ خطی ایران و کاربرد آن در صفحه‌آرایی کتب امروزی» (۱۳۹۷)، از نظر زمانی، دوره سلجوقی تا پایان دوره صفوی را شامل می‌شود که الگوی کلی صفحات در هر دوره تاریخی بدون تمرکز بر رابطه متن و تصویر بررسی و کاربرد آن در صفحه‌آرایی کتب امروزی سنجیده شده است، همچنین به نظریه ارتباطی متن و تصویر رولان بارت نیز اشاره نشده است. پژوهش پیش رو مطالعه صفحات مصور دوره تیموری است که برای اولین بار بر مبنای نظریات رولان بارت در خصوص رابطه میان متن و تصویر تعریف می‌شود که از این نظر نو و بدیع است.

روش پژوهش

روش این پژوهش تطبیقی تحلیلی است و با رویکرد ساختارگرایی انجام می‌گیرد. شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است. تصاویر نسخه‌های مطالعه‌شده از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر آنلاین (اینترنتی) گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش نسخه خطی مصور گلچین اسکندر سلطان، شاهنامه بایسنقری و شاهنامه محمد جوکی از دوره تیموری است که از هر کدام دو صفحه مصور، بنابر جامعیت بیشتری که به لحاظ وجود متن و تصویر در یک صفحه دارد، انتخاب شده است و با استناد بر نظریات رولان بارت، بررسی می‌شود تا الگوی تعریف‌شده هر صفحه به دست آید.

مبانی نظری پژوهش

رولان بارت نظریات خود را در ارتباط با متن و تصویر، در کتاب درآمدی بر ساختار روایت‌ها بیان می‌کند (آلن، ۱۳۸۵) که در سال ۱۳۸۷ محمد راغب آن را به فارسی ترجمه کرد. این کتاب، مجموعه مقالات بارت درباره روایت‌شناسی است که مهم‌ترین موارد استفاده از روش‌های زبان‌شناسی در تحلیل ادبی و هنری را توضیح داده است (مسعودی، ۱۳۹۵: ۵۶). «او با قاطعیت اعلام کرد که هر شکل روایت به رمزگان زبان‌شناسیک استوار است» (احمدی، ۱۳۷۱: ۲۳۵). «در این کتاب نه متن در پی «تفسیر» تصویرهاست، نه تصویرها در جست‌وجوی «آراستن» متن. متن و تصویر، برای من تنها حرکتی بوده‌اند از گونه‌ای نوسان دیداری، حرکتی شاید همچون خلسه‌ای که در ذن به آن ساتوری^۳ می‌گویند. پیچاپیچی از متن و تصویرها تا چرخش و مبادله قالب‌هایی چون کالبد، چهره و نوشتار ممکن شوند و بتوان گریز معانی را درونشان خواند» (بارت، ۱۳۸۷: ۱۷).

در نظر بارت کلمات و تصاویر با محدود کردن یکدیگر معنایی را القا می‌کنند که بدون یکدیگر این معنا کامل نخواهد بود. متن و تصویر یکدیگر را کامل می‌کنند و معنا را در کلی واحد شکل می‌دهند. او در این کتاب سه نوع ارتباط را میان متن و تصویر تعریف می‌کند: ۱. توصیفی بودن تصویر، زمانی که تصویر از نوشتار پشتیبانی می‌کند و نوشتار نقش اصلی در صفحه دارد (Barthes, ۱۹۹۷: ۳۴)؛ ۲. همسان بودن، زمانی که متن و تصویر، به نسبت برابر از هم پشتیبانی می‌کنند و هر دو به یک اندازه در صفحه دارای اهمیت هستند (Barthes, ۱۹۹۶: ۲۲)؛ ۳. مرجع بودن تصویر، زمانی که نوشتار از تصویر پشتیبانی می‌کند و تصویر نقش اصلی را در صفحه دارد (Barthes & Duisit, ۱۹۷۵: ۵۱)؛ نمونه‌های این تحقیق، بر اساس این سه نظریه، بررسی می‌شوند.

تحلیل و بررسی آثار

تصویر یک از ردیف ۱، نگاره‌ای از گلچین اسکندر سلطان،^۴ «صحنه شکار پادشاه خسرو، سوار بر اسبش «شبدیز» را نشان می‌دهد» (جلیلیان، ۱۳۹۰: ۲۵). چهار سوار در حال تاخت‌اند و سه مرد در پایین این صحنه در حال نظاره هستند. تصویر ۲ از ردیف ۱، آنالیز خطی این نگاره است و نشان می‌دهد که تصویر، فضای اصلی صفحه را در بردارد، تصویر در صفحه غالب است و متن در حاشیه آن جای گرفته است، شکست در کادر صورت نگرفته و عنوان^۵ نیز با رنگی متفاوت درون متن متمایز شده است. برای بررسی ارتباط میان متن و تصویر در این صفحه، نظریه رولان بارت در این خصوص بیان می‌شود.

بارت سه نظریه در ارتباط با متن و تصویر مطرح می‌کند: نظریه‌ای که در آن متن بر تصویر ارجحیت دارد و تصویر حکم پشتیبان را داشته و حمایت‌کننده متن است. بارت این ارتباط را ارتباطی توصیفی می‌نامد که در این صفحه چنین نیست و متن در صفحه نگاره غالب نیست؛ نظریه دیگر او به نام ارتباط همسان، زمانی اتفاق می‌افتد که «متن و تصویر به یک میزان در صفحه نقش داشته و به یک میزان از یکدیگر حمایت کنند» (بیرنگ و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۱). در این نظریه متن و تصویر پشتیبان و حامی یکدیگر هستند که در این صفحه چنین نیست، بلکه تصویر نقش اصلی انتقال مفهوم را بر عهده دارد؛ بارت نظریه ارتباطی دیگری مطرح می‌کند به نام «ارتباط مرجع، زمانی که تصویر دارای ارجحیت است و متن برای پشتیبانی و حمایت تصویر در صفحه حضور دارد» (سلمان، ۱۳۹۶: ۶۸) که در این صفحه چنین ارتباطی مشاهده می‌شود، تصویر در صفحه غالب است و نگاه مخاطب را در تمام صفحه به گردش واداشته و عنصر متن برای حمایت تصویر در حاشیه قرار گرفته است. مخاطب ابتدا به خوانش تصویر پرداخته و تصویر نقش انتقال مفهوم روایت را بر عهده دارد.

تصویر ۳ از ردیف ۱، «نگاره بهرام‌گور در ضیافت فتنه، یکی از همسرانش، از صفحات مصور گلچین اسکندر سلطان می‌باشد» (میرزایی‌مهر، ۱۳۹۵: ۸۷). نگاره، به صورت هم‌زمان، دو طبقه یک بنا را نمایش می‌دهد، در پایین درب اصلی، دو پیکره در حال صحبت هستند و در بالای نگاره، پنج پیکره از جمله بهرام‌گور و احتمالاً «فتنه» که گوساله‌ای را حمل می‌کند، نشان داده شده است. با توجه به تصویر ۴ از ردیف ۱، نوشتار به صورت اریب در حاشیه تصویر نگاشته شده و تصویر فضای اصلی صفحه را دربر گرفته است و عنصر غالب در صفحه است، عنوان نیز با رنگی متفاوت درون متن جای گرفته است و

نقش دارد و آن را ارتباطی همسان می‌نامد. در این صفحه متن و تصویر پشتیبان و حامی یکدیگر هستند و هر دو هم‌ارز با یکدیگر در انتقال مفهوم به مخاطب تأثیر گذارند. تصویر در کنار متن سهمی یکسان در صفحه داشته و متن نیز به همان میزان در صفحه اهمیت دارد که ارتباط «همسان» را به وجود می‌آورد.

تصویر ۷ از ردیف ۲، «صفحه دیگری از شاهنامه بایسنقری، جمعی از موبدان و عالمان را نشان می‌دهد که مشغول گفت‌وگو و بازی شطرنج‌اند» (دوازده‌امامی، ۱۳۹۲: ۱۹). تعداد زیادی پیکره در مرکز صفحه و در پس‌زمینه پرتزین به‌صورت متقارن قرار گرفته‌اند. با توجه به تصویر ۸ از ردیف ۲، تصویر فضای اصلی صفحه را دربر گرفته و متن در سه سطر و شش ستون، بالای کادر تصویر قرار گرفته است. نظریه همسان که متن و تصویر حامی و پشتیبان یکدیگر در صفحه است که در این صفحه چنین نیست و تصویر بر متن غلبه پیدا کرده است و ارتباط توصیفی که متن بر تصویر غالب است که در این صفحه چنین نیست بلکه تصویر بر متن غلبه دارد. متن نقشی فرعی و ثانویه در صفحه داشته و حامی تصویر برای انتقال مفهوم به مخاطب است و از تصویر در صفحه پشتیبانی می‌کند. تصویر، عنصر غالب در صفحه است و متن برای حمایت تصویر و توصیف آن به کار گرفته شده است. عنصر متن در حاشیه و برای کمک به انتقال مفهوم در کنار عنصر تصویر قرار گرفته است. بر اساس سه نظریه بارت، در این صفحه ارتباط «مرجع» ایجاد شده است.

تصویر ۹ از ردیف ۳، «نگاره‌ای از شاهنامه محمد جوکی کشته‌شدن ارجاسب به دست اسفندیار است» (اقبالی و رجبی، ۱۳۹۴: ۱۱۰)، قسمت اصلی نگاره، بنای قلعه است که روی رشته کوهی از صخره‌ها قرار گرفته است. روایت اصلی، کشته‌شدن ارجاسب، در وسط صفحه، سمت راست قلعه اتفاق می‌افتد. با توجه به تصویر ۱۰ از ردیف ۳، متن در بالای صفحه در چهار سطر و چهار ستون، نگاشته شده و عنوان با رنگی متفاوت در میانه بالای آن قرار گرفته است. تصویر، فضای اصلی و بااهمیت در صفحه را اشغال کرده است و متن بر آن غالب نیست، اما متن نیز، فضای چشمگیری را به خود اختصاص داده و توجه مخاطب را در خوانش صفحه جلب می‌کند و به‌عنوان حامی عنصر تصویر در کنار هم قرار گرفته، متن و تصویر هم‌ارز با یکدیگر در صفحه ظاهر شده است.

ارتباط مرجع که در آن تصویر بر متن غلبه پیدا می‌کند که در این صفحه چنین نیست. ارتباط توصیفی که در آن متن بر تصویر غلبه یافته که در این صفحه چنین ارتباطی وجود ندارد، بلکه متن و تصویر هم‌ارز با یکدیگر در صفحه قرار گرفته‌اند. در

شکست در کادر دیده نمی‌شود. «برای نوشتن متن از مرکب سیاه استفاده شده است و عنوان‌ها تماماً با رنگ طلایی و در برخی از آن‌ها با دورگیری سیاه می‌باشند» (دهکردی و احمدپناه، ۱۳۹۵: ۳۴).

نظریه همسان و توصیفی در این صفحه وجود ندارد، چنانچه مشاهده می‌شود متن و تصویر هم‌ارز با یکدیگر در صفحه ظاهر نشده و ارتباط همسان با یکدیگر نداشته، از طرفی متن نیز در صفحه غالب نیست، پس ارتباط توصیفی هم وجود ندارد. متن نقشی فرعی و ثانویه در صفحه داشته و حامی تصویر برای انتقال مفهوم به مخاطب است و از تصویر در صفحه پشتیبانی می‌کند. در این صفحه، تصویر در فضای صفحه غالب است و نقش اصلی را در انتقال مفهوم روایت به مخاطب ایفا می‌کند. مخاطب ابتدا به خوانش تصویر و سپس به خوانش متن می‌پردازد. عنصر متن در حاشیه صفحه، برای حمایت از تصویر قرار گرفته است. مفهوم روایت با خوانش تصویر برای مخاطب صورت می‌گیرد و عنصر متن برای کمک به تصویر در صفحه قرار گرفته است. با استناد بر سه نظریه بارت، ارتباط «مرجع» در صفحه برقرار است.

تصویر ۵ از ردیف ۲، «نگاره‌ای از شاهنامه بایسنقری، روایت به بندکشیدن ضحاک را نشان می‌دهد» (رجبی‌نیازآبادی، ۱۳۹۶: ۶۹). سه پیکره به‌سمت غار در حرکت هستند و به‌صورت هم‌زمان، ضحاک با دستانی بسته درون غار نشان داده شده است. چنانچه در تصویر ۶ از ردیف ۲، مشاهده می‌شود، متن در بالا و پایین صفحه فضای چشمگیری را احاطه کرده است و تصویر در میان آن وجود دارد. عنصر تصویر «کادر» را می‌شکند و بیرون از قاب، متن را دربرمی‌گیرد، از شگرد شکست در کادر در این صفحه به‌خوبی استفاده شده است تا فاصله میان متن و تصویر کم‌رنگ شود» (پریزادیان کاوان، ۱۳۹۴: ۸۹). تصویر، متن را احاطه می‌کند و متن نیز از بالا و پایین صفحه، تصویر را دربرمی‌گیرد که می‌توان گفت در کنار یکدیگر فضای صفحه را اشغال کرده‌اند.

نظریه مرجع و همسان در این صفحه وجود ندارد. چنانچه مشاهده شد متن به میزان تصویر به‌صورت مساوی در صفحه قرار نگرفته پس ارتباط همسان وجود نداشته، همچنین متن بر تصویر غالب نیست و ارتباط مرجع را شامل نمی‌شود. بارت نظریه دیگری درباره ارتباط میان متن و تصویر عنوان می‌کند، زمانی که متن و تصویر به یک میزان در صفحه نقش داشته و به یک میزان از یکدیگر حمایت می‌کنند. در این نظریه متن و تصویر پشتیبان و حامی یکدیگر هستند و هر دو در کنار هم به انتقال مفهوم به مخاطب تأثیر دارند. تصویر در کنار متن سهمی یکسان در صفحه داشته و متن نیز به همان میزان در صفحه

تصویر نگاره	آنالیز تصویر	تصویر نگاره	آنالیز تصویر
			
تصویر ۱. صحنه شکار، گلچین اسکندر سلطان، دوره تیموری، سده ۹ق، کتابخانه گلبنکان، لیسبون (URL1)	تصویر ۲. آنالیز ساختاری تصویر ۱ (منبع: نگارندگان)	تصویر ۳. ضیافت بهرام گور، گلچین اسکندر سلطان، دوره تیموری، سده ۹ق، کتابخانه گلبنکان، لیسبون (URL1)	تصویر ۴. آنالیز ساختاری تصویر ۳ (منبع: نگارندگان)
			
تصویر ۵. به بندکشیدن ضحاک، شاهنامه بایسنقری، دوره تیموری، سده ۹ق، کتابخانه گلستان، تهران (URL3)	تصویر ۶. آنالیز ساختاری تصویر ۵ (منبع: نگارندگان)	تصویر ۷. مجمع عالمان، شاهنامه بایسنقری، دوره تیموری، سده ۹ق، کتابخانه گلستان، تهران (URL2)	تصویر ۸. آنالیز ساختاری تصویر ۷ (منبع: نگارندگان)
			
تصویر ۹. کشته شدن ارجاسب به دست اسفندیار، دوره تیموری، شاهنامه محمد جوکی، سده ۹ق، مجموعه انجمن آسیایی، لندن (URL4)	تصویر ۱۰. آنالیز ساختاری تصویر ۹ (منبع: نگارندگان)	تصویر ۱۱. گذشتن سیاوش از آتش، شاهنامه محمد جوکی، دوره تیموری، سده ۹ق، مجموعه انجمن آسیایی، لندن (URL4)	تصویر ۱۲. آنالیز ساختاری تصویر ۱۱ (منبع: نگارندگان)

جدول ۱ (منبع: نگارندگان)

در انتقال مفهوم به مخاطب را دارد. نظریه ارتباط توصیفی که در آن متن بر تصویر غالب است و خوانش اصلی صفحه را شامل می‌شود، در این صفحه وجود ندارد و عنصر متن غلبه نیافته است. همچنین نظریه ارتباط مرجع که تصویر در صفحه غلبه دارد، در این صفحه چنین ارتباطی مشاهده نمی‌شود و تصویر به تنهایی غالب نیست. در این صفحه عنصر متن در کنار عنصر تصویر، در خوانش روایت اهمیت بسیاری داشته و هم‌ارز با یکدیگر در صفحه حضور پیدا کرده و حامی یکدیگر هستند. در نتیجه تصویر و متن با یک میزان از اهمیت در صفحه قرار گرفته و به انتقال مفهوم روایت به مخاطب می‌پردازند، در این صفحه متن و تصویر پشتیبان یکدیگر هستند و ارتباط «همسان» را در صفحه ایجاد می‌کنند.

اینجا تصویر در کنار متن سهمی یکسان در صفحه داشته و متن نیز به همان میزان در صفحه نقش دارد و ارتباطی همسان را به وجود می‌آورد. تصویر ۱۱ از ردیف ۳، «نگاره گذشتن سیاوش از آتش از نسخه شاهنامه محمد جوکی» (صفری کرهرودی، ۱۳۹۷: ۹۸). سیاوش در حالی که لباس سپیدی بر تن دارد از میان شعله‌های آتش عبور می‌کند، کی‌کاووس و سودابه از پنجره بنای سمت چپ در حال نظاره هستند. با توجه به تصویر ۱۲ از ردیف ۳، تصویر، فضای اصلی و نقش پررنگ در صفحه را اشغال کرده است، اما متن نیز در ابتدای صفحه، فضای بسیاری را به خود اختصاص داده است. تصویر، بخش غالب در صفحه را شامل می‌شود. عنصر متن نیز در خوانش هم‌زمان مخاطب در صفحه نقش داشته و با وجود جلب توجه تصویر، عنصر متن نقش پراهمیت

پی‌نوشت:

1-Roland Barthes
2-Text-image communication
3-Satori

۴- «در سال (۸۱۳ق) در شیراز به سفارش اسکندر سلطان مصور شده که شامل ۳۴ نگاره در دو جلد می‌باشد. این نسخه در بنیاد گلینکیان پرتغال نگهداری می‌شود. این اثر گلچینی ادبی از ۳۴ اثر متفاوت در شعر و نثر می‌باشد. جلد اول شامل تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام به نثر نگاشته شده است. جلد دوم، ابیات برگزیده‌ای از اشعار شاعران نامی چون نظامی، عطار نیشابوری، جلال‌الدین مولانا و سعدی تماماً به نظم در آن گردآوری شده است» (دهکردی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳).

۵- «عنوان یا تیتیر، جمله، عبارت یا کلمه‌ای است که موضوع روایت را کوتاه و مستقیم یا به‌صورت استعاری معرفی می‌کند و به آن هویت می‌بخشد و هم از نظر معنی و هم از جنبه شکل ظاهری و زبان بصری می‌تواند خواننده را به ادامه خواندن

ترغیب کند» (افشار مهاجر، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

۶- در سال (۸۳۳ق) به دستور بایسنقر میرزا مصور شد. این نسخه ۲۲ نگاره دارد و اکنون به‌طور کامل در کتابخانه کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود (پاکباز، ۱۳۷۹: ۸۵). «نقاشان نسخه، استاد امیرخلیل و استاد غیاث‌الدین (همان پیراحمد یا سیداحمد) هستند و تذهیب نسخه را به استاد خواجه‌علی و صفایی آن را به استاد قوام‌الدین نسبت می‌دهند» (ذکوت و چارثی، ۱۳۹۹: ۶۸).

۷- «در سال (۸۴۳ق) به حمایت و سفارش محمد جوکی پسر شاهرخ تیموری مصور می‌شود. این نسخه شامل ۳۱ نگاره کامل است و اکنون در مجموعه آسیایی لندن قرار دارد که امروزه به‌صورت امانتی درازمدت در اختیار موزه بریتانیا قرار گرفته است.» (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۵).

منابع:

- احمدی، بابک (۱۳۷۱) *از نشانه‌های تصویری تا متن: به‌سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری*، تهران: مرکز.
- _____ (۱۳۷۴) *حقیقت و زیبایی درس‌های فلسفه هنر*، تهران: مرکز.
- _____ (۱۳۸۰) *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز.
- افشار مهاجر، کامران (۱۳۹۲) *صفحه‌آرایی*، تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- اقبالی، پرویز؛ رحبی، محمدعلی (۱۳۹۴) «شناخت تصویرسازی کتاب بر اساس رابطه میان متن و تصویر»، *نگره*، ۱۱ (۳۷)، ۱۰۳-۱۱۶.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۹) *نگارگری ایران*، تهران: سمت.
- آلبوغیش، عبدالله؛ آشتیانی عراقی، نرگس (۱۳۹۷) «پیوند ادبیات و نگارگری؛ خوانش تطبیقی لیلی و مجنون جامی و نگاره‌ای از مظفرعلی»، *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۱ (۱)، ۳۱-۵۸.
- آلن، گراهام (۱۳۸۵) *رولان بارت*، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: مرکز.
- بارت، رولان (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها*، ترجمه محمد راغب، تهران: رخداد نو.
- بیرنگ، مریم؛ رضازاده، طاهر؛ معین‌الدینی، محمد (۱۳۹۹) «بازآفرینی صورت و ساختار نقاشی ایرانی در رمان نام من سرخ»، *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، ۱ (۵)، ۳۸-۵۲.
- پاکباز، رویین (۱۳۷۹) *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: زرین و سیمین.
- پریزادیان کلوان، مرجان (۱۳۹۴) *بررسی رابطه کادر (قالب) با روایت در نگارگری عصر ایلخانی تا انتهای عصر تیموری*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- جلیلیان، لیلی (۱۳۹۰) *نگارگری کتاب دوره تیموری*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- حسینی، مهدی (۱۳۸۸) «شاهنامه محمد جوکی»، *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، ۲ (۴)، ۶۵-۷۳.
- دوازده امامی، زهره (۱۳۹۲) «تطبیق و تحلیل صفحه‌آرایی در دو نگاره از شاهنامه بایسنقری و شاهنامه طهماسبی»، *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۷-۲۳ (۱۹)، ۱۷-۲۳.
- دونیس، ای داندیس (۱۳۹۷) *مبادی سواد بصری*، ترجمه مسعود سپهر، تهران: سروش.
- دهکردی، شیرین؛ احمدپناه، ابوتراب (۱۳۹۵) «پژوهشی برای معرفی جلد اول گلچین اسکندر سلطان ۸۱۳ق»، *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ۲۱ (۴)، ۸۵-۹۸.
- ذکوت، سحر؛ چارثی، عبدالرضا (۱۳۹۹) «مطالعه تحلیلی انواع صناعات و مشاغل در نگاره پادشاهی جمشید در شاهنامه بایسنقری»، *گرافیک و نقاشی*، ۳ (۵)، ۶۶-۷۶.
- رحبی، نیازآبادی، الهام (۱۳۹۶) *مطالعه تطبیقی شمایل تصویری و روایت‌های متنی در مجالس شاهنامه بایسنقری*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور.
- سلمان، صدیقه (۱۳۹۶) «ادبیات و نگارگری ایرانی»، *مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه*، ۳ (۳)، ۶۲-۷۰.
- صفری کرهرودی، هانیه، (۱۳۹۷) *مطالعه روش‌های صفحه‌آرایی در نسخ خطی ایران و کاربرد آن در صفحه‌آرایی کتب امروزی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان.
- مسعودی، امیدعلی، (۱۳۹۵) «نقدی بر روش نشانه‌شناسی و تحلیل روایت رولان بارت»، *علوم خبری*، ۵ (۱۷)، ۵۴-۷۱.

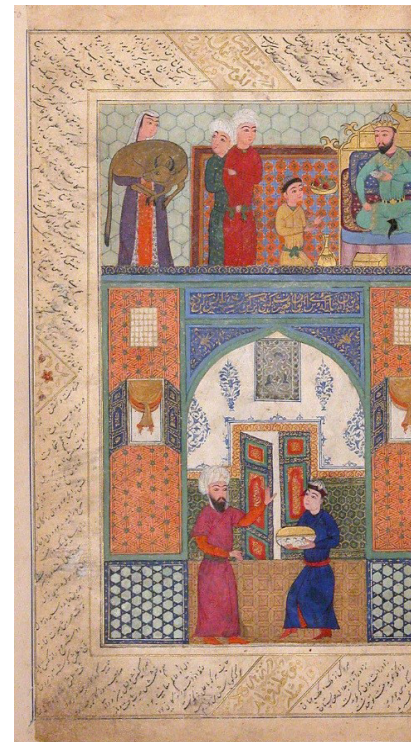
References:

- Afshar Mohajer, K. (2013). *Newspaper Layout and Typography*, Tehran: Publishing of Iranian Textbooks (Text in Persian).
- Ahmadi, B. (1992). *From Pictorial Signs to the Text: Towards the Semiotics of Visual Communication*, Tehran: Markaz (Text in Persian).
- Ahmadi, B. (1995). *Truth & Beauty*, Tehran: Markaz (Text in Persian).
- Ahmadi, B. (2001). *The Text- Structure and Textural Interpretation*, Tehran: Markaz (Text in Persian).
- Albughabish, A., Ashtiani Iraqi, N. (2018). The Connection Between Literature and Miniature, Jāmī's Leyla and Majnun and A Miniature by Muzaffar Ali as A Case, *Comparative Literature Research*, 6(1), 31-58 (Text in Persian).
- Allen, G. (2006). *Ronald Barthes*, Translated by Payam Yazdanjoo, Tehran: Markaz (Text in Persian).
- Azhand, Y. (2010). *Iranian Painting*, Tehran: Samt (Text in Persian).
- Barthes, R. (1966). *An Introduction to the Structural Analysis of Narrative*, Centre for Contemporary Cultural Studies, London: University of Birmingham.
- Barthes, R. (1977). *Introduction to Structural Analysis of Narrative: Image Music Text*, London: Fontana Press.
- Barthes, R. (2008). *Introduction to the Structural Analysis of the Narrative*, Translated by Mohammad Ragheb, Tehran: Rokhdade No (Text in Persian).
- Barthes, R., Duisit, L. (1975). *An Introduction to the Structural Analysis of Narrative, New Literary History*, 6(2), 237-272.
- Birang, M., Rezazadeh, T., & moeinadini, M. (2020). Reconstruction of the Form and Structure of Persian Painting in Orhan Pamuk's My Name Is Red, *Theoretical Principles of Visual Arts*, 5(1), 38-52. doi: 10.22051/jtpva.2020.29379.1147 (Text in Persian).
- Davazdah Emami, Z. (2013). Adaptation and Analysis of Layout in Two Drawings of Shahnameh Baysanghari and Shahnameh Tahmasebi, *Islamic Art Studies*, 19(9), 17-23 (Text in Persian).
- Donis, E. (2018). *A Primer of Visual Literacy*, Translated by Massoud Sepehr, Tehran: Soroush (Text in Persian).
- Eghbali, P., & Rajabi, M. (2016). Understanding the Book Illustrations based on Relationship between Text and Picture, *Negareh Journal*, 11(37), 103-115. doi: 10.22070/negareh.2016.346 (Text in Persian).
- Hoseini, M. (2010). Muhammad Juki's Sahnameh, *Journal of Visual and Applied Arts*, 2(4), 35-50. doi: 10.30480/vaa.2010.665 (Text in Persian).
- Jalilian, L. (2011). *Painting Books in Timurid Dynasty*, Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Text in Persian).
- Masoudi, O. (2016). A Critique of the Semiotic Method and Narrative Analysis of Roland Barthes, *Journal of News Sciences*, 17, 54-71 (Text in Persian).
- Mirzaei Mehr, A. A. (2016). *Introduction to Painting Schools*, Tehran: Publishing of Iranian Textbooks (Text in Persian).
- Nazari Zadeh Dehkordi, S., Ahmadpanah, D., & Hanieh Bijandi, H. (2016). Study for Introduce and Review of the First Volume Anthology of Sultan Iskandar 813 AH., *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 21(4), 31-38. doi: 10.22059/jfava.2016.59950 (Text in Persian).
- Pakbaz, R. (2000). *Iranian Art from Ancient Times to Today*, Tehran: Zarrin and Simin (Text in Persian).
- Parizadian Kavan, M. (2015). *Relationship Between Frame and Narration in Persian Painting (Miniature) During the Ilkhanid Period to the End of Timurid Period*, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Text in Persian).
- Rajabi Niazabadi, E. (2017). *A Comparative Study of Visual Icons and Textual Narratives in the Shahnameh of Baysanghari*, Master Thesis, Faculty of Arts, Neishabour University, Iran (Text in Persian).
- Safari Karhroudi, H. (2018). *The Study on the Methods of Layout in Iranian Manuscripts (Seljuks to the End of Safavid) with Emphasis on Proposing a Method for Contemporary Use*, Master Thesis, Faculty of Arts, Semnan University, Semnan, Iran (Text in Persian).
- Salman, S. (2017). Iranian Literature and Painting, *Studies of Literature, Mysticism and Philosophy*, 3(3), 62-70 (Text in Persian).
- Zekavat, S., Chareie, A. (2021). Analytical Study of Professions and Crafts in the Jamshid's

The Connection between Text and Image from Roland Barthes's Point of View in Illustrated Pages of the Miscellany of Iskandar Sultan, Baysonghori Shahnameh and Muhammad Jouki's Shahnameh

Abstract:

Page layout in Iran has a long and old history. Manuscripts with different scientific and fictional, historical and religious themes were always considered and created in collaboration with calligraphers and painters and presented in a collection. This collection includes different elements such as cover, inflection, header, pagination, header, title, grid, frame, text and image, and the elements of text and image and their relationship with the page space are very important. Two languages have always been used in page layout: written language and visual language. Together, these two elements narrate the story of a book, painting is formed in connection with literature, and the image is used to describe the subject and the writing of the books. The image did not exist without text and existed from the heart of the text and had no independent identity. It is important to pay attention to the textual element and the visual element and the connection that is formed between the two, that forms the main issue of this research. The adornment of manuscripts created a close interaction between art and literature in Iran, which led to commonalities between the two visual elements. The image created by the artist always appears next to literary texts. The arrangement of manuscripts with images created a platform for collaboration between the calligrapher and the painter so that the image would appear along with the text, sometimes with one of the two more inducing powers. The image is used both for the beauty of the page and to attract the audience, and for describing the subject and the narration, in order to convey the meaning of the text to the audience more easily. The text element and the image element are intertwined in a two-way interaction, together creating a single whole that advances the story. The



■ Mohammad Kazem Hassanvand

Associate Professor, Department of Painting, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
mkh@modares.ac.ir

■ Mahsa Khani Oshani

MA, Department of Islamic Art, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
mahsakhani1987@gmail.com

Date Received: 2022-01-08

Date Accepted: 2022-04-16

1-DOI: 10.22051/PGR.2022.39095.1125

position of the text and the position of the image on a page of the illustrated manuscript are of particular importance. The location of the text and its fit with the image, law and various patterns in the illustrated manuscripts create different historical periods in Iran. Examining the position of text and image and the relationship between these two visual elements on the page forms the basis of this research. In this research, the intention is to investigate the relationship between the text element and the image element in the illustrated manuscripts of Golchin Eskandar Sultan, Shahnameh of Baysonghori and Muhammad Jouki's Shahnameh from the Timurid period based on Roland Barthes' theory. The relationship between the two elements of text and image in page layout is very important. Just as the language of the text plays a key role in conveying the concept to the audience, the image also has the same burden of conveying the concepts as the language used to convey the concept, and the visual language is of particular importance in the art of book-making. Iranian literature and arts are interconnected in the process of using archetypes. Poets and painters use the same language to describe the world they inherited in general from their ancestors. Roland Barthes explores this connection in his book, an Introduction to the Structure of Narratives. This book is in fact a collection of Barthes articles on narratology and explains the most important uses of linguistic methods in literary and artistic analysis. The field, in which Roland Barthes enters, discusses the structural analysis of narrative in an academic way. In this book, he defines three types of relationships between text language and image language: 1. Descriptive, when the image supports the text and the text plays a major role in the page and the image supports the text. 2. Similar, when the text and the image support each other equally and both are equally important on the page and together they convey the meaning of the narrative to the audi-

ence. 3. Reference, when the text supports the image and the image plays a major role on the page, the image is focused and dominant on the page and acts as a reference. Barthes claims that these three patterns apply to all existing books and manuscripts, and that the connection between text and image is not beyond these three states. This research is examined based on these three theories. The three theories mentioned in the illustrated manuscripts of Golchin Eskandar Sultan, Shahnameh of Baysonghori and Muhammad Jouki's Shahnameh from the Timurid period are studied. The purpose of this study, in addition to explaining and discovering the page layout pattern of the three illustrated manuscripts, is to identify the relationship between text and image based on Roland Barthes theory, to answer the question of how the relationship between text and image with reference to theory Roland Barthes is defined in three illustrated manuscripts of Golchin Eskandar Sultan, Shahnameh of Baysonghori and Muhammad Jouki's Shahnameh from the Timurid period. First, the position of the text and the image are measured together on the page, and the overall structure of the page is examined based on the relationship between text and image in Roland Barthes's theories, then, the relationship between text and image based on structuralism. The research methods and their communication pattern are compared with each other to obtain the dominant communication pattern in these illustrated pages. This research has been done by descriptive-analytical method and structural method. The method of data analysis is qualitative, which is analyzed according to Roland Barthes' theories. First, the elements of a page are visually analyzed from illustrated versions, then the content of the elements of the pages, including the position of the text and the image, is analyzed, and the relationship between the two elements of text and image is examined based on Barthes's three communication theories. The process of

analyzing data from part to whole is inductive. First, the components within the page, which are the visual elements, are examined, then the composition and relationship of these elements with each other are examined in the general space of the page, and it is defined according to Barthes's three theories. The method of data collection is in the form of a library, which is collected from available written documents and images of the studied versions, from valid online databases. The statistical population of this research is illustrated manuscripts selected from the Timurid period. Since this is a qualitative research, the selection of samples is based on qualitative characteristics. The selection of research items was based on the fact that the text element and the image element exist on one page side by side, and also a full page of illustrated copies is available in Internet sources. At the end, three illustrated manuscripts were selected, Golchin Eskandar Sultan, Shahnameh of Baysonghori and Muhammad Jouki's Shahnameh, which are selected from each of them, two illustrated pages according to their comprehensiveness in terms of text and image on one page, and then according to the structural analysis of images, the position of text and image on the page is analyzed and examined based on Barthes's theory. In this research, it is assumed that a suitable pattern is created by using the box, title and composition of elements in a picture page, to better induce the concept of book narration to the audience. Also, in the layout of three illustrated manuscripts of Golchin Eskandar Sultan, Shahnameh of Baysonghori and Muhammad Jouki's Shahnameh from the Timurid period, the image always dominates the text. According to Roland Barthes's theory, reference communication is established in all illustrated pages and there are no two descriptive and identical connections in these illustrated pages. Finally, based on the analysis performed, it is inferred that in all cases of research, the text

box and the image box are present and the failure in the box is clearly visible in half of the cases. The title exists in half of the research cases and is included in the text, which is closely related to the text. The dominant element on the page is the «image», and in most cases of research, the title is inside the text box and in half of the cases of research, failure is seen in the box. Although in all cases, the image is centered on the page, in half of the cases a «reference» relationship is established according to Barthes's theory, but in the other half of the case, a «matched» relationship is observed. Achievements from the study of illustrated manuscripts of Golchin Eskandar Sultan, Shahnameh of Baysonghori and Muhammad Jouki's Shahnameh from the Timurid period, based on Roland Barthes's theory, can bring forward creative ideas and new innovations remained to be surveyed for contemporary artists.

Keywords: Text and Image, Roland Barthes, Miscellany of Iskandar Sultan, Baysonghori Shahnameh, Muhammad Jouki's Shahnameh.